



فهرست مطالب

۳.....	اقسام اعیان متنجس
۳.....	وجوه ذکر شده بر حرمت بیع اعیان متنجس
۳.....	وجه اول: ادعای دلالت روایات حرمت بیع اعیان نجس بر حرمت بیع متنجس
۴.....	نقد دلیل: عدم شمول لفظی و یا انصراف روایات به اعیان نجس
۴.....	وجه دوم: حرمت تکسب به متنجس به دلیل حرمت اکل و تقد آن
۴.....	قاعده اولی در بیع اعیان متنجس
۵.....	حکم اقسام چهارگانه عین متنجس با توجه به قاعده اولی
۵.....	بررسی روایات مرتبط با بیع اعیان متنجس
۵.....	روایت اول باب ۶
۵.....	بررسی سندی: ضعف روایت
۶.....	بررسی دلالتی: جواز استفاده از زیت متنجس
۶.....	روایت دوم باب ۶
۶.....	معتبر بودن روایت و جواز استفاده
۷.....	روایت سوم باب ۶
۷.....	عدم اعتبار و دلالت بر جواز بیع
۷.....	روایت چهارم باب ۶
۷.....	ضعف سندی و جواز بیع لزوم اعلام به مشتری
۷.....	روایت پنجم باب ۶
۸.....	ضعف سندی و جواز بیع در صورت اعلام به مشتری
۸.....	روایت ششم باب ۶
۸.....	بررسی روایت: عدم ارتباط با بحث
۸.....	روایت سوم باب ۷
۹.....	جواز فروش عجین به غیرمسلمان
۹.....	روایت پنجم باب ۷



شماره ثبت: ۱۱۴۳

عدم جواز فروش دهن نجس به مسلمان ۹



بسم الله الرحمن الرحيم

اقسام اعیان متنجس

بحث در جواز یا عدم جواز تکسب به اعیان متنجس می‌باشد. اعیان متنجس از حیث قبول یا عدم قبول طهارت دارای اقسامی می‌باشد و هر قسم یا منفعت محله آن فقط در اکل آن می‌باشد و یا اینکه منفعت محله آن منحصر در اکل آن نیست که این تقسیم اخیر در موردی ثمره دارد که به لحاظ ظاهری و به لحاظ باطنی، قابل تطهیر نیست و در مجموع می‌توان اعیان متنجس را از این جهت به چهار قسم تقسیم کرد. و باید حکم فقهی هر کدام طبق قواعد بررسی شود.

۱. قسم اول، اعیان متنجسی هستند که با فرض بقا صورت نوعیه‌ای آن‌ها، قابلیت تطهیر را دارند.

۲. قسم دوم، اعیان متنجسه‌ای هستند که ظاهر آن‌ها قابلیت تطهیر را دارد اما باطن آن‌ها قابلیت تطهیر را ندارد.

۳. قسم سوم، اعیان متنجسه‌ای هستند که نه ظاهر آن‌ها و نه باطن آن‌ها قابلیت تطهیر را ندارد ولی منافع محله آن‌ها متوقف بر طهارت آن‌ها نیست.

۴. قسم چهارم، اعیان متنجسه‌ای هستند که نه ظاهر آن‌ها و نه باطن آن‌ها قابلیت تطهیر را ندارد و منافع محله آن‌ها، متوقف بر طهارت آن‌ها است مانند ماست و یا پنیر که با فرض بقا صورت نوعیه‌ای آن‌ها قابلیت تطهیر را ندارند.

وجوه ذکر شده بر حرمت بیع اعیان متنجس

وجه اول: ادعای دلالت روایات حرمت بیع اعیان نجس بر حرمت بیع متنجس

عده‌ای با تمسک به برخی روایات مانند روایت تحف العقول که در باب دوم از ابواب ما یکتسب به، کتاب التجاره آمده است قاعده کلیه‌ای را مبنی بر حرمت تکسب به اعیان نجس پذیرفته‌اند و صرف عین نجس بودن را مانع جواز بیع



آن‌ها دانسته‌اند که همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم این روایات به لحاظ سندی و دلالتی مخدوش می‌باشند. برخی بر این باور می‌باشند که روایات فوق علاوه بر دلالت بر حرمت تکسب به اعیان نجس بر حرمت تکسب به اعیان متنجس هم دلالت می‌کند.

نقد دلیل: عدم شمول لفظی و یا انصراف روایات به اعیان نجس

اولاً همان‌طور که قبلاً بیان کردیم این روایات به لحاظ دلالتی و سندی مخدوش می‌باشند و با توجه به اضطرابی که در این روایات وجود دارد، قاعده عامی که عده‌ای به استناد این روایات پذیرفته‌اند، قابل قبول نیست و ثانیاً بر فرض تام بودن روایات به لحاظ سندی و دلالتی نسبت به حرمت تکسب به اعیان نجس، به لحاظ لفظی عنوان نجس شامل عنوان متنجس نمی‌شود و روایت در مورد اعیان نجس است نه متنجس و بر فرض شمول لفظی نسبت به اعیان متنجس، با توجه به تفاهم از روایات و مثال‌هایی که در روایت به عنوان وجوه نجس ذکر شده است مانند میته و خون که از اعیان نجس می‌باشند، روایات انصراف به اعیان نجس دارند و شامل اعیان متنجس نمی‌شوند.

وجه دوم: حرمت تکسب به متنجس به دلیل حرمت اکل و نقد آن

وجه دومی که ممکن است مورد تمسک عده‌ای بر حرمت بیع اعیان متنجس قرار گیرد، این است که اکل اعیان متنجس حرام می‌باشد و طبق قاعده عام و کلی هر چیزی که اکل آن حرام باشد، تکسب به آن هم حرام می‌باشد پس تکسب به اعیان متنجس هم حرام می‌باشد. همان‌طور که قبلاً بیان کردیم این قاعده عام و کلی که هر چیزی که اکل آن حرام باشد تکسب به آن هم جایز نیست، تام و مورد قبول نیست.

قاعده اولی در بیع اعیان متنجس

با توجه به عدم دلالت ادله روایی ادعا شده بر حرمت تکسب به اعیان نجس باید به قاعده اولی در تکسب به اعیان متنجس رجوع شود. به لحاظ تکلیفی و با توجه به جریان اصالة البرائة، تکسب به اعیان متنجس حرام نمی‌باشد. و به لحاظ وضعی، جواز تکسب به اعیان متنجس، متوقف بر وجود منفعت محله عقلائی می‌باشد و در صورت وجود منفعت محله عقلائی خرید و فروش عین متنجس جایز می‌باشد.



حکم اقسام چهارگانه عین متنجس با توجه به قاعده اولی

با توجه به قاعده‌ای که بیان شد حکم تکسب به اقسام چهارگانه اعیان متنجس واضح می‌باشد. قسم اول به دلیل اینکه قابلیت تطهیر کردن را دارد، تکسب به آن جایز است. قسم دوم هم چون ظاهر آن را می‌توان تطهیر کرد و منفعت عقلایی برای آن متصور است تکسب به آن جایز است. البته بحث از قابلیت تطهیر در قسم اول و دوم در مواردی است که منافع آن متوقف بر طهارت باشند و الا اگر منافع محله عقلایی آن‌ها متوقف بر طهارت آن‌ها نباشد، بحث از قابلیت تطهیر کردن، بی‌مورد می‌باشد. قسم سوم هم هرچند قابلیت تطهیر ندارند اما به خاطر اینکه منافع محله عقلایی آن‌ها متوقف بر طهارت آن‌ها نمی‌باشد دارای مالیت می‌باشند و تکسب به آن‌ها جایز است اما تکسب به قسم چهارم به خلاف سه قسم قبل جایز نمی‌باشد چون بنا بر فرض منافع عقلایی این قسم مانند اکل و شرب متوقف بر طهارت می‌باشد و فرض این قسم این است که قابلیت تطهیر کردن را ندارند پس تکسب به این قسم جایز نیست

بررسی روایات مرتبط با بیع اعیان متنجس

طبق قواعد کلی و اولی خرید و فروش، اعیان متنجس به لحاظ تکلیفی حرام نیست و به لحاظ وضعی هم صحت خرید و فروش، تابع وجود منفعت محله عقلایی می‌باشد. در مقام بحث در مورد بعضی از اعیان متنجس روایات خاصه‌ای در باب ششم و هفتم ابواب ما یکتسب به کتاب التجاره وسایل الشیعه وارد شده است که بررسی این روایات می‌پردازیم.

روایت اول باب ۶

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ جُرْذٌ مَاتَ فِي زَيْتٍ أَوْ سَمْنٍ أَوْ عَسَلٍ - فَقَالَ أَمَّا السَّمْنُ وَالْعَسَلُ فَيُؤْخَذُ الْجُرْذُ وَ مَا حَوْلَهُ - وَالزَّيْتُ يُسْتَصْبَحُ بِهِ^۱»

بررسی سندی: ضعف روایت

این روایت به خاطر وجود علی بن حکم در سلسله روایت معتبر نمی‌باشد.

^۱ - وسایل الشیعه کتاب التجاره ابواب ما یکتسب به باب ۶ ح ۱



بررسی دلالتی: جواز استفاده از زیت متنجس

در این روایت از حکم غسل و روغن جامد و مایعی که موش در آن مرده است، سؤال می‌شود که امام در مورد غسل و روغن جامد می‌فرمایند که موش و اطراف آن را که موش به آن برخورد کرده است را بردار و از مابقی آن استفاده کن و در مورد زیت (روغن مایع) می‌فرمایند از آن در جهت ایجاد روشنائی استفاده کن و قابل خوردن نمی‌باشد. این حکم امام، حکم تعبدی نیست بلکه حکم ارشادی و جهت تنقیح موضوع می‌باشد به اینکه در مورد غسل و روغن جامد، نجاست موش فقط به جایی که اطراف آن است و با آن برخورد دارد سرایت می‌کند و اما مابقی غسل و روغن جامد پاک و قابل خوردن می‌باشد. ولی در مورد روغن مایع، چون مایع است همه آن نجس می‌شود و قابل خوردن نیست ولی منافع محله دیگری مانند استفاده از آن در جهت ایجاد روشنائی، دارد که می‌تواند در آن جهت مورد استفاده قرار گیرد. هرچند در این روایت که بحث از قسم سوم اعیان متنجس می‌باشد، فقط از جواز استفاده سخن به میان آمده است و درباره خرید و فروش بحث نشده است اما جواز استفاده می‌تواند دلیلی بر وجود منفعت محله عقلائی باشد.

روایت دوم باب ۶

«وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِذَا وَقَعَتِ الْفَأْرَةُ فِي السَّمَنِ فَمَاتَتْ فِيهِ - فَإِنْ كَانَ جَامِداً فَأَلْقِهَا وَ مَا يَلِيهَا - وَإِنْ كَانَ ذَائِباً فَلَا تَأْكُلْهُ وَ اسْتَصْبِحْ بِهِ وَ الزَّيْتُ مِثْلُ ذَلِكَ^۲»

معتبر بودن روایت و جواز استفاده

این روایت معتبر می‌باشد. امام باقر در پاسخ به سؤال از روغنی که موش در آن افتاده و سپس مرده می‌فرماید اگر روغن جامد بود موش و اطراف آن را بردار و از مابقی آن استفاده کن و اگر روغن مایع بود روغن را نخور و از آن، جهت ایجاد روشنائی استفاده کن.

^۲- وسائل الشیعه کتاب التجارة ابواب ما یکتسب به باب ۶ ح ۲



روایت سوم باب ۶

«مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ ابْنِ رِبَاطٍ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْفَارَةِ - تَقَعُ فِي السَّمْنِ أَوْ فِي الزَّيْتِ فَتَمُوتُ فِيهِ - فَقَالَ: إِنْ كَانَ جَامِداً فَتَطْرَحُهَا وَ مَا حَوْلَهَا وَ يُؤْكَلُ مَا بَقِيَ - وَ إِنْ كَانَ ذَائِباً فَاسْرُجْ بِهِ وَ أَعْلِمُهُمْ إِذَا بَعْتَهُ.^۳»

عدم اعتبار و دلالت بر جواز بیع

این روایت معتبر نمی‌باشد و به لحاظ دلالتی هم مانند روایات قبل است با این تفاوت که در این روایت، جواز بیع نیز مطرح شده است البته در کنار جواز بیع شرط اعلام نجاست روغن را به مشتری نیز مطرح کرده است

روایت چهارم باب ۶

«وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ الْمِثْمِيِّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ وَ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي جُرْذٍ مَاتَ فِي زَيْتٍ مَا تَقُولُ فِي بَيْعِ ذَلِكَ - فَقَالَ بَعُهُ وَ بَيْنَهُ لِمَنْ اشْتَرَاهُ لِيَسْتَصْبِحَ بِهِ.^۴»

ضعف سندی و جواز بیع لزوم اعلام به مشتری

در سند این روایت احمد المیثمی توثیق ندارد و مضمون آن هم جواز بیع روغن متنجس و لزوم اعلام آن به مشتری می‌باشد تا از آن در جهت ایجاد روشنایی استفاده کند.

روایت پنجم باب ۶

«عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الطَّيَالِسِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَأَلَهُ سَعِيدُ الْأَعْرَجِ السَّمَانَ وَ أَنَا حَاضِرٌ عَنِ الزَّيْتِ وَ السَّمْنِ وَ الْعَسَلِ تَقَعُ فِيهِ الْفَارَةُ فَتَمُوتُ كَيْفَ يُصْنَعُ بِهِ قَالَ أَمَّا الزَّيْتُ فَلَا تَبْعُهُ إِلَّا لِمَنْ تَبَيَّنَ لَهُ فَيَبْتَاعُ لِلسَّرَاجِ وَ أَمَّا الْأَكْلُ فَلَا وَ أَمَّا السَّمْنُ فَإِنْ كَانَ ذَائِباً فَهُوَ كَذَلِكَ وَ إِنْ كَانَ جَامِداً وَ الْفَارَةُ فِي أَعْلَاهُ فَيُؤْخَذُ مَا تَحْتَهَا وَ مَا حَوْلَهَا ثُمَّ لَا بَأْسَ بِهِ وَ الْعَسَلُ كَذَلِكَ إِنْ كَانَ جَامِداً^۵»

۳ - وسایل الشیعه کتاب التجاره ابواب مایکتسب به باب ۶ ح ۳

۴ - وسایل الشیعه کتاب التجاره ابواب مایکتسب به باب ۶ ح ۴

۵ - وسایل الشیعه کتاب التجاره ابواب مایکتسب به باب ۶ ح ۵



ضعف سندی و جواز بیع در صورت اعلام به مشتری

در سند این روایت عبدالخالق توثیق ندارد و مضمون روایت هم این است که زیتی که موش در آن افتاده و مرده را نفروش مگر به کسی که به او اعلام کنی که نجس می‌باشد تا آن را برای استفاده روشنایی بخرد و نمی‌توان از آن خورد و اما در مورد سمن و غسل، اگر روغن و غسلی که موش در آن افتاده و مرده است، مایع بود حکم زیت را دارد اما اگر جامد بود موش و اطراف آن را که نجاست به آن سرایت کرده است را بردار و از مابقی آن استفاده کن.

روایت ششم باب ۶

«مُحَمَّدُ بْنُ إِدْرِيسَ فِي آخِرِ السَّرَائِرِ نَقَلَ مِنْ جَامِعِ الْبَزَنْطِيِّ صَاحِبِ الرِّضَا ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ تَكُونُ لَهُ الْغَنَمُ يَقْطَعُ مِنْ أَلْيَاتِهَا - وَهِيَ أَحْيَاءٌ أَوْ يَصْلُحُ لَهُ أَنْ يَنْتَفِعَ بِمَا قَطَعَ - قَالَ نَعَمْ يُذَيِّبُهَا وَيُسْرِجُ بِهَا وَلَا يَأْكُلُهَا وَلَا يَبِيعُهَا»^۶

بررسی روایت: عدم ارتباط با بحث

این روایت در مورد روغن و دنبه میته است که امام اکل و بیع آن را نهی می‌کنند ولی ارتباطی با این بحث که عین متنجس می‌باشد ندارد چون میته عین نجس می‌باشد نه عین متنجس.

پس در باب ۶ از ابواب مایکتسب به پنج روایت اول مرتبط با بحث بیع عین متنجس بود البته مدلول بعضی از این روایت فقط در مورد صرف انتفاع بود که بدین معنا می‌باشد که برای روغن متنجس منفعت عقلایی محله متصور می‌باشد و روایاتی که به صراحت جواز بیع را مطرح کرده‌اند، آن را مقید به اعلام به مشتری می‌کنند.

روایت سوم باب ۷

«وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي الْعَجِينِ مِنَ الْمَاءِ النَّجَسِ كَيْفَ يُصْنَعُ بِهِ - قَالَ يُبَاعُ مِمَّنْ يَسْتَحِلُّ الْمَيْتَةَ»^۷

^۶ - وسائل الشیعه کتاب التجاره ابواب مایکتسب به باب ۶ ح ۶

^۷ - وسائل الشیعه کتاب التجاره ابواب مایکتسب به باب ۷ ح ۳



جواز فروش عجین به غیرمسلمان

این روایت در مورد عجین و محلولی است که با آب متنجس درست شده است و نمی‌توان آن را تطهیر کرد که امام فروش آن را به غیرمسلمان جایز می‌دانند چون فرض این است که تنها منفعت عجین اکل آن می‌باشد البته در روایت چهارم همین باب از بیع آن نهی شده است.

روایت پنجم باب ۷

«عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ حُبِّ دَهْنٍ مَاتَتْ فِيهِ فَأَرَّةٌ - قَالَ لَا تَدَّهْنُ بِهِ وَلَا تَبْعُهُ مِنْ مُسْلِمٍ^۸»

عدم جواز فروش دهن نجس به مسلمان

این روایت فروش دهن نجس را به مسلمان جایز نمی‌داند و از استفاده آن نهی می‌کند که مفهوم آن جواز فروش به غیرمسلمان می‌باشد.

^۸ - وسائل الشیعه کتاب التجاره ابواب مایکسب به باب ۷ ح ۵